

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Historical

تاریخی

استاد علامه، روانشاد احمد علی کهزاد  
فرستنده: "بنیاد فرهنگی کهزاد"

## "دختر نوشیروان"

### نقاشی های بزرگ دیواری ساسانی

ژنرال فریه فرانسوی در تابستان سال ۱۸۴۵ مسیحی در کهساران مرکزی افغانستان بین (خرم) و (سارباغ) و سرپل در علاقه دو آب (شاه پسند) بین حوضه (بلخ آب) و (خم آب) بین دهکده (بودهی) و (دیو حصار) از هیکل تراشی های بزرگی در جدار کوه صحبت میکند و در آن هیکل تراشی پادشاهی را روی تخت دیده است. ۷۹ یا ۸۰ سال بعد از ژنرال فریه یک نفر از دانشمندان فرانسوی، پروفیسور هاکن، که میخواست از کابل به نزد پروفیسور فوشه و دیدن جریان حفاریات به بلخ برود، در رفت و آمد خود از معبر کاروان رو قدیم بامیان از کوتل آغرباط، سوخته چنار، دندان شکن، خرم، سار باغ، هیبک و تاشقرغان عبور نموده و دو مرتبه در تجسس و مطالعه جاهائی افتاد که بنام سموچ (زاد خان) و (قلعه دختر نوشیروان) یاد میشود.

در تابستان سال ۱۹۲۳ (ماه جون) پروفیسور مذکور از کاروان سرائی در دو آب شاه پسند بطرف غرب یا شمالغرب حرکت میکند. خط سیر این دو نفر فرانسوی یکی ژنرال فریه و دیگری باستان شناس در فاصله ۸۰ سال به محل مطلوبی که در این مقاله بدان کار دارم، یک چیز است. فریه از دهکده ای بنام (بودهی) یاد میکند و هاکن از جاهائی بنام (روهی) و (موهی) اسم میبرد. هر دو از دره های ژرف و تنگ رودخانه های علیای خلم عبور میکنند و هر دو در این علاقه از وجود تاتارها صحبت میکنند و یکی از همین تاتارها پروفیسور هاکن را به محل دقیقی رهنمائی میکند که تصاویر بزرگ دیواری معروف به "دختر نوشیروان" در طاق بزرگی در دامان کوه نقاشی شده بود. بقرار نوشته های هاکن "دختر نوشیروان" قریب رودخانه خلم و به فاصله ۷ کیلومتری آن به طرف (روی) یا (روهی) واقع است.

هاکن مانند فریه پادشاهی را روی تخت نشسته دیده است. فریه در هیکل تراشی های خود از وجود محبوسین در پای تخت شاه صحبت میکند و هاکن برعکس از دو نفر که شاید موبدان زردشتی باشند به راست و چپ شاه یاد میکند و خوشبختانه تا جائی که مقدر بود و با وسایلی که خود را به کمر کوه رسانید، توانست رسم هائی از آن مجلس رنگه با شرح چگونگی رنگ ها داده که عین آن در کتاب آثار عتیقه بودائی بامیان (تالیف موسیو و مدام گودار و هاکن) گرفته شده و پروفیسور گیرشمن باستان شناس دیگر فرانسوی در کتاب (اشکانی و ساسانی) خود مجدداً آنرا به چاپ رسانیده است.

آنچه بعد از این مطالعات و ملاحظاتی برای بنده مسلم شده است، این است که ژنرال فریه فرانسوی آنچه را در سال ۱۸۴۵ دیده و یاد داشت کرده، هیکل تراشی نبوده بلکه نقاشی های رنگه دیواری بوده و آنچه را دیده همین نقاشی های "دختر نوشیروان" است که به فاصله ۱۳۰ کیلومتری غرب یا شمالغرب بامیان قرار دارد و بعد از سال ۱۹۲۳ یعنی بعد از هاکن کسی از آن خبر ندارد و حتی در همین سال هم عوارض طبیعی خساره های زیادی بدان رسانیده است.

از نظر پژوهشی تصاویر رنگه دیواری "دختر نوشیروان" در تاریخ فرهنگ و هنر افغانستان و ایران اهمیت زیادی دارد. مفکوره عمومی طاق "دختر نوشیروان"، طاق های "نقش رستم" را در نزدیکی "تخت جمشید" بیاد می آورد. این طاق ها به روش هخامنشی و ساسانی در دل کوه کنده شده و در پناه آن نقاشی هائی صورت گرفته است. از روی

رسم هائی که ذکر کردم، پادشاهی یا شهزاده ای به لباس ساسانی روی تختی نشسته که پایه های آن از قسمت های پیشین بدن اسپها تشکیل شده و عقب شانۀ دهانه دارد و تاج او سرهای حیوانات کوهی از قبیل قُچ کوهی و آهو و غیره متناظراً به دو سمت دیده میشود. پادشاه خنجر راست و بلندی در دست دارد که نوک غلاف آن وسط دو پای او دیده میشود. در دو جناح عقب دو فیل پایه دو نفر ایستاده معلوم میشوند که محتملاً موبدان زردشتی باشند. این تصویر عیناً شبیه تصویر خسرو اول ساسانی است که روی جام بلور سنگی دیده میشود و در کابینه دو مدای (مجموعه مدال و مسکوکات) پاریس محفوظ است.

ما از دره فندقستان هم مجسمه های شاه و ملکه ای را یافته ایم که زیر تخت آنها در ظرف سفالی سکه ای از خسرو اول ساسانی گذاشته شده بود و از دره ککرک بامیان هم تصویر رنگه پادشاهی کشف شده است که در لباس و تاج و زیور آلات او نفوذ ساسانی با همه جزئیات آن محسوس است. چون ساسانیان در ین وقت از بلخ بر حصه معتنابهی از خاک های افغانستان مرکزی سیادت داشتند، نفوذ هنری آن دوره در تمام آثار نقاشی های بودائی بامیان، ککرک و هزارسُم مشهود است. "دختر انوشیروان" آیده ای بود که این خاطره را در دل کوه نگه میداشت. از نظر مطالعات هنری ساسانی تصاویر "دختر نوشیروان" اهمیت بسزائی دارد، زیرا در خاک های ایران کنونی از نقاشی های دیواری آن دوره چندان چیزهائی باقی نمانده است. / ۱۰ جوزای ۱۳۴۴/